

دین و سیاست در اسرائیل (۳)

عبدالفتاح محمد ماضی
ترجمه: اصغر افتخاری*

۱۰۳

مقدمه

در دو قسمت پیشین این نوشتار، با فضای سیاسی-اجتماعی حاکم بر جامعه اسرائیل و همچنین، طیف بازیگران سیاسی حاضر در عرصه سیاست این جامعه آشنا شدیم. در بخش پایانی مقاله، به موقعیت و جایگاه گروهها و احزاب دینی در اسرائیل نگاهی خواهیم انداخت و از میزان اثرات آنها بر حیات سیاسی اسرائیل، اطلاع حاصل خواهیم نمود. صهیونیسم از ابتدای تاسیس تا به امروز، به انحای مختلف رابطه خود را بادین حفظ نموده و از آن برای پیشبرد اهداف سیاسی خود بهره برده است. به عبارت دیگر، صهیونیسم بر خلاف جریانهای همزاد عصر خود که آرمان جدایی دین از سیاست را برگزیده بودند، به هیچ وجه سکولار نبوده و برعکس، نسبت به یهودیت از خود اقبال هم نشان داده است.^۱ نمونه بارز این امر را می توان در کاربرد واژگانی چون «ارض موعود»، «صهیون» و ... از سوی صهیونیستها دید که تماماً دارای ریشه و صبغه ای دینی هستند.^۲ در یک تقسیم بندی کلان، چهار دوره را در

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع).

** این مقاله، سومین قسمت از نوشتار مفصلی است که در معرفی کتاب زیر ترجمه، تلخیص و ارایه می گردد:

- عبدالفتاح محمد ماضی، الدین و السياسة في اسرائيل: دراسة في الاحزاب والجماعات الدينية في اسرائيل و دورها في الحياة السياسية، القاهرة: مكتبة مدبولی، ۱۹۹۹، ص ص ۵۳۰-۱۹۳
مطالعات منطقه ای: اسرائیل شناسی-آمریکاشناسی، جلد چهارم، ۱۳۷۹، ص ص ۱۱۸-۱۰۳.

بر خورد صهیونیسم با دین یهود از یکدیگر می توان تفکیک نمود که عبارتند از:

اول، زمانی که دین به مثابه آرمانی عالی با هدف تایید انگیزه های صهیونیستها به کار گرفته می شد. عموماً در اوایل تاسیس دولت اسرائیل، این برخورد با دین، تجلی و بروز می یابد تا از این طریق، یهودیان نسبت به این مولود سیاسی تازه تاسیس از خود همراهی و همدلی نشان دهند. (در بخش نخست این نوشتار در بحث از مویذات دینی صهیونیسم، این نگرش تبیین گردیده است.) دوم، زمانی که دین به مثابه یک ابزار کارآمد برای تحکیم مبانی صهیونیسم به کار می رود. در این گفتمان اگر چه بر مقولات دینی تاکید می شود، لیکن، این مقولات از آن حیث که ابزار مناسبی برای تایید هویت یهودی و تقویت مبانی رژیم صهیونیستی هستند، مورد قبول قرار می گیرند. تلاش افرادی چون هرتزل و یا «مارکس نورودا» در همین راستا معنامی دهد.^۲ بنابراین، مشاهده می شود که علی رغم استناد به آموزه ها و مفاهیم دینی، التزام عملی این افراد نسبت به اصول دینی، کم رنگ و تصنعی است.^۴

هرتزل خود شخصاً اعتراف کرده که تحركات سیاسی او اهداف دینی مشخصی ندارد و دین برای وی به مثابه میراثی که از اجدادش به او رسیده مطرح بوده و در همین اندازه، قابل احترام است.^۵ بنابراین، در پاسخ به «جویش کرونیکل» که از او درباره میزان التزام عملی اش به اصول دین یهودیت پرسیده بود، صراحتاً می گوید:

«من اندیشمندی آزاد هستم و نقطه عزیمت امثال من در این حرکت، آن است

که هر فردی باید به روش خود برای نیل به رهایی اقدام کند.»^۶

کتاب «دولت یهود» اثر هرتزل،^۷ افکار «حاییم وایزمن»،^۸ «نورداو»^۹ و سایر دولتمردان صهیونیست، آکنده از جملات و ایده هایی است که دلالت بر ارزش ابزاری دین دارند.

سوم، متعاقب تحکیم مبانی حکومت اشغالگر، برخوردهایی بین نگرش سکولار به قدرت رسیده با بعضی از گرایشهای دینی اصولگرا رخ می دهد که حاصل آن، ضرورت کنار زدن دین از معادلات سیاسی است. در این دوره، دولتمردان صهیونیست به جای استفاده از مبانی دینی، به عوامل جایگزین تمسک بسته، از نقش دین می کاهند. بن گورین، زمانی خطاب به یهودیان گفته است که:

«حقیقت آن است که یهودیان امروز دیگر نباید منتظر بمانند تا خدا وضعیت و تکلیف آنها را مشخص کند. الان، زمانی فرارسیده که باید با کمک فانتومها و ... تکالیف روشن شود.»^{۱۱}

همو در جای دیگری بر عامل فشار نظامی تاکید ورزیده، به کنایه می گوید: «بهترین مفسر تورات، ارتش اسرائیل است و اوست که می گوید محدوده اراضی حکومت یهودیان تا به کجاست!»^{۱۱} بیاناتی از این قبیل، به خوبی از کنار زدن دین و مبانی اصولی یهودیت از عرصه معادلات سیاسی، حکایت می کند و این که یهودیت با از دست دادن شأن ابزاری خود، علی القاعده ارزش سیاسی اش را نیز از کف داده و مشمول حکم بن گورین می گردد، آنجا که می گوید:

«دین، ابزاری برای نیل به هدف است، پس باید تا آن زمان که این هدف را تامین می نماید، حفظش نمود و نه همیشه!»^{۱۲}

چهارم، با توجه به مبانی و هویت دینی جامعه، البته صهیونیستها قادر به حذف کلیت یهودیت از جامعه نمی شوند؛ بنابراین، در آخرین تلاش خود سعی در بازسازی دین در جامعه ای نوین می نمایند. به عبارت دیگر، «دینی» تازه را می آفرینند که اگر چه عنوان یهودیت را با خود یدک می کشد، لیکن از حیث محتوا کاملاً سیاسی و مطابق آرمانهای صهیونیستی است. این وهله از تحول دین در جامعه اسرائیل همراه با تحریفات آشکاری است که عملاً به قلب ماهیت اولیه دین یهود منجر می شود. از آن جمله می بینیم این ادعای دینی که «اسرائیل به خدایی امیدوار است که آن را کمک و یاری می دهد» به این جمله تبدیل می شود که: «اسرائیل متکی به ارتشی است که حافظ و نگاهبان اوست» به همین ترتیب، واژگان دینی، معانی سیاسی تازه ای می یابند و اسطوره های دینی به شکلی تفسیر می شوند که در حمایت از صهیونیسم، تماماً رنگ و بوی سیاسی دارند.^{۱۳}

بدین ترتیب، معلوم می شود که از همان ابتدا دین در حیات سیاسی جامعه اسرائیل دارای نقش بوده و این نقش، به تناسب، در هر دوره ای به گونه ای تعریف می شده است. با عنایت به نوع عملکرد گروهها و احزاب دینی، بحث از حضور دین در عرصه سیاسی جامعه

اسرائیل را در دو قسمت می‌توان پی گرفت: اول؛ گروه‌های دینی‌ای که در قالب تشکل حزبی درآمد و به ایفای نقش پرداخته‌اند. دو م؛ گروه‌های دینی‌ای که غیر حزبی بوده، ولی کارکرد و نقش سیاسی داشته‌اند.

الف: گروه‌های دینی با تشکل حزبی در عرصه سیاست

احزاب و تشکلات دینی در اسرائیل به طور کلی دارای دو گرایش متفاوت نسبت به رژیم صهیونیستی هستند به گونه‌ای که می‌توان آنها را از این حیث کاملاً از یکدیگر تفکیک نمود:

اول: احزاب دینی ضد صهیونیسم (یهود ارتدکس)

پیامد ادعای احزاب مندرج در ذیل این عنوان، آن است که تاسیس دولت اسرائیل، بهترین راه حل برای مشکل یهودیان نبوده و قوم یهود، مطابق آموزه‌ها و باورهای دینی‌اش، منجی‌ای دارد که همان حضرت مسیح (ع) است. یهودیان ارتدکس که پیرو ایده فوق هستند، در جریان تحولات اصلاح طلبانه قرن نوزدهم در اروپا به وجود آمدند و پس از مشاهده عملکرد رژیم صهیونیستی، بر آن شدند تا به نحوی در مقام صیانت از «یهودیت واقعی» برآیند. آنچه بیش از چیز دیگری برای این گروه مهم می‌نمود، زوال ارزشهای یهود بود که متعاقب بازشدن فضای فرهنگی در جامعه یهودی رخ داده و کم‌کم داشت یهودیت را از میان می‌برد.^{۱۴} بنابراین، افرادی چون، «شمشون رافائل هیرش»، (۱۸۸۸-۱۸۰۸) و «حزقال لاندائو» (۱۷۹۳-۱۷۱۳) به طراحی چارچوب نظری مخالفت خود با سیاستهای صهیونیستی پرداختند.^{۱۵} در ادامه اندیشه همین افراد، کسانی مثل «هیلاسهایمر» (۱۸۹۹-۱۸۲۰) ظهور می‌نمایند که به تاسیس تشکلاتی در راستای ترویج عقاید فوق، اقدام می‌کنند. «حافظان ایمان» عنوان اولین تشکل سیاسی‌ای بود که با این انگیزه سهایمر، تاسیس گردید.^{۱۶} در آمریکا نیز «اسحاق لیزر» را داریم که با تاسیس «دانشکده ابن میمون»، در جذب و تربیت افرادی سعی نمی‌نماید که وفادار به ارزشهای یهودی بوده و خواهان صیانت از آنها می‌باشند.^{۱۷} در مجموع، این گرایش سیاسی را می‌توان ادامه «یهودیت تلمودی» نیز

دانست، چرا که به شکل افراطی‌ای به متن وابسته بوده، سعی می‌کند در روند تحولات سیاسی-اجتماعی، آن را حفظ نماید.^{۱۸}

موارد زیر، اصول اولیه تشکلهای دینی ضد صهیونیست را تشکیل می‌دهد:

۱- دین یهود، همچون اسلام و یا مسیحیت نیست و بیش از هر چیزی برای اداره امور دنیوی آمده و نظام زندگی است، بنابراین، رستگاری در آن، نه به ایمان، بلکه به عمل است.

۲- ملاک در عمل، فقط «هالاخاه» است. (هالاخاه به مجموع اسفار موسی و گفته‌های شفاهی ضمیمه آن که بعداً تحت عنوان منشآت تحریر گردیده، اطلاق می‌گردد.)

۳- هالاخاه، ازلی و لایتغیر است؛ بنابراین، در مقام تعارض با حیات اجتماعی، این رویه اجتماعی است که باید تغییر کند و نه هالاخاه.

۴- امر تفسیر و تبیین هالاخاه، صرفاً در حیطة قدرت عده ای خاص از تحصیلکردگان است.

۵- یهود، ملتی برگزیده و متمایز از دیگران است؛ بنابراین، نباید آن را چونان سایر ملل تلقی نمود.

۶- نجات یهود، این قوم برگزیده، فقط در توان حضرت مسیح است و با ظهور او محقق می‌گردد.^{۱۹}

تفکر سیاسی فوق، البته طی سالهای بعدی حیاتش با مشکلات جدی‌ای روبه‌رو می‌شود و متعاقب آن، به دو گروه همدل و مخالف صهیونیسم تقسیم می‌گردد؛ که از این میان حزب، آگودات اسراییل، «طریق مخالفت» و «مزراحی» طریق همراهی را پیشه می‌نمایند. در حال حاضر نیز حزب، «الحسیدیه» (Hassidism) وجود دارد که مروج افکار افراط نگرش فوق است. «حسید» واژه‌ای عبری به معنای پاک و طیب است که توسط اسراییل الیعادر (۱۶۹۸-۱۷۶۰)، ملقب به «بعل شم تو» (Baal shem tov)- یعنی صاحب نام پاک- موسس حزب «الحسیدیه»، برای این گروه که دارای افکار و نگرشی صوفی مسلک در حوزه دین یهود هستند، انتخاب شده است.^{۲۰}

دوم - احزاب دینی هوادار صهیونیسم (صهیونیسم دینی)

جنبش سیاسی «صهیونیسم دینی» نخست به شکل یک حرکت دینی مستقل در بطن صهیونیسم سیاسی در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در واکنش به حرکت یهود ارتدکس شکل می‌گیرد تا بتواند به نحوی اثرات سیاسی آنها را خنثی نماید. گمان اصلی این گروه آن است که، آرمانهای متعالی یهود توسط دولت اسرائیل تحقق می‌یابد؛ پس صهیونیسم، شایسته حمایت و تقویت است. با رجوع به آرا و اندیشه حاخامهایی که سردمدار این جریان هستند - افرادی همچون موشیه بن نحیمان، یهودا القلعی، هیرش کالیشر، شموئیل موهلیر، یحیل میخائیل باسنین، ابراهام اسحاق کوک - معلوم می‌شود که صهیونیسم برای ایشان در حکم مسیح موعود است که برای رهایی آنها ظهور کرده است. بنابراین، تکلیف دینی آنها را بر حمایت از این ناجی ملزم می‌کند.^{۲۱}

البته با تحکیم مبانی رژیم اشغالگر قدس و حاکمیت تفکر سکولار بر دولت، اردوگاه فوق نیز دچار تفرقه می‌گردد و طیف متنوعی از گروهها و احزاب در درون آن ایجاد می‌شود که در میزان اعتقادشان به دولت صهیونیستی، متفاوتند. به عنوان مثال، در درون همین نگرش، فردی چون «ابراهام شاییرا» را داریم که در مخالفت با مفاد قرار داد اسلو، برخلاف نظر سران صهیونیستی، حکم به ابطال این قرار داد می‌دهد و یا بالاتر از آن، به تلاش یکی از پیروان صهیونیسم دینی در ترور اسحاق رابین در نوامبر ۱۹۹۵، می‌توان اشاره کرد که دلالت بر بروز شکافهایی در این اردوگاه دارد.

ب - گروههای دینی بدون تشکل حزبی در عرصه سیاست

این گروهها نیز همانند تشکلات حزبی به دو گروه هوادار و ضد صهیونیست قابل تقسیم هستند:

اول: گروههای دینی هوادار صهیونیسم

در میان گروههای دینی ای که در قالب حزبی فعالیت نمی‌کنند، لیکن هدف صیانت از

صهیونیسم را دنبال می‌نمایند، می‌توان به سه گروه اصلی اشاره کرد:

۱: گوش آمونیم (جماعت مومنان)

این گروه در ابتدا بسان یک گروه فرعی در داخل حزب مفدال، متعاقب تحولات سال ۱۹۶۷ ظهور نمود و پس از آن در سال ۱۹۷۴ به صورت یک حرکت غیر حزبی وارد عرصه تحولات سیاسی شد. کارکردهای سیاسی گروه فوق، متنوع و متعددند که از آن میان، فعالیت‌های زیر، قابل توجه می‌نماید:

۱۰۹

- ۱-۱- عمل کردن به عنوان یک گروه فشار در مقام تصمیم‌گیری رسمی در حمایت از سیاست‌های صهیونیستی و در مقابله با گروه‌های دینی مخالف صهیونیسم.
- ۱-۲- تلاش در جهت توجیه و حمایت از روند غضب اراضی فلسطینی‌ها و سکنی دادن یهودیان در آنها.
- ۱-۳- ایجاد ترس و رعب در میان اعراب برای پاک کردن «ارض موعود» از غیر یهودیان! بنا به ملاحظات و کارکردهای فوق، تفکر سکولار حاکم بر دولت نیز این گروه دینی را تایید و تقویت می‌نماید و شکاف بین تفکر دینی و سکولار، چندان تاثیر گذار نمی‌باشد.^{۲۲}

۲: کاخ

- این حرکت توسط مائیر کهانا در سال ۱۹۷۳ بنیان نهاده شد. اصول اصلی این حرکت که صبغه افراطی و ضد عربی دارد، عبارتند از:
- ۱-۲- تاکید بر برگزیده بودن ملت یهود
 - ۲-۲- تاکید بر ضرورت انضمام اراضی اشغالی به سال ۱۹۶۷ به اسرائیل به عنوان عاملی در راه استقلال و رهایی یهودیان
 - ۲-۳- تصویر دولت اسرائیل به مثابه زمینه ساز ظهور حضرت مسیح (ع)
 - ۲-۴- بیگانه پنداشتن اعراب و تجویز استفاده از زور بر ضد ایشان

۳: میماد

در سال ۱۹۸۸، یک حاخام به نام «یهودا عمیطان» این حرکت را بنیاد نهاد. غرض اصلی او آن بود که با پرهیز از گرایشهای افراطی، به شکلی متعادل از صهیونیسم دفاع نماید. آموزه اصلی عمیطان، محکوم نمودن رفتارهای تند و افراطی در مقام عمل و تاکید بر حقایق شرعی رژیم صهیونیستی بود. بدیهی است که این نگرش با توجه به عملکرد ناشایست دو گروه قبلی توانست هواداران زیادی بیابد که در مجموع، به خاطر تاکید بر مشروعیت رژیم صهیونیستی، به عنوان یک حرکت مثبت از سوی دولت اسرائیل تلقی می شود.^{۲۴}

۱۱۰

دوم: گروههای دینی ضد صهیونیسم

در اردوگاه حرکت‌های دینی ضد صهیونیستی نیز تعداد زیادی از گروهها حضور دارند که به تناسب، سه گروه اصلی در ادامه معرفی می گردند:

۱: معرفت پاک

«حباد الحسیدیه»، مرکب از دو کلمه عبری «حباد» و «الحسیدیه» است که در مجموع، صاحبان فکر پاک را شامل می گردد. حاخام «شنیور زلمان ملادی» به سال ۱۹۴۰ پس از انشعاب از جناح «الحسیدیه»، اقدام به تاسیس این گروه نمود که شاخص اصلی آنها التزام بسیار زیادشان به متن مقدس (تورات) است. پیروان شنیور که برای او مقامی همچون مسیح (ع) قایل هستند، رژیم صهیونیستی را غیر مشروع دانسته و با کلیه سیاستهای آنها مخالفند. پیروان این گروه که بیشتر در آمریکا و تا حدودی در جامعه اسرائیل به سر می برند، بر این باورند که راهی یهود در تاسیس دولت مسیح (ع) و نمایندگان به حق او- یعنی افرادی چون حاخام شنیور- صورت می پذیرد. بنابراین، حرکت صهیونیستها خارج از دین و غیر شرعی است.^{۲۵}

۲: الطائفه الحریدیہ

این گروه که در سال ۱۹۲۱ و در قدس به وجود آمد، ترکیبی است از پیروان چندین گرایش دیگر از قبیل: ذریه آهادون، ساطمر، و طرفداران دوشسنکی که در پذیرش یک اصل با یکدیگر توافق دارند؛ اصلی که می‌گوید: تاسیس دولت یهود، آن هم قبل از ظهور مسیح (ع) اساساً عملی نامشروع و غاصبانه است. بنابراین، ضمن مخالفت با ماهیت دولت تازه تاسیس، آن را غصب مقام مسیح (ع) تفسیر کرده و معتقدند که به هیچ وجه نباید با آنها همراهی کرد. بنابراین، مشاهده می‌شود که از مشارکت در کلیه فعالیتهای سیاسی-اجتماعی (همچون شرکت در انتخابات) خودداری ورزیده، تا حد امکان با صهیونیستها مخالفت می‌پردازند.^{۲۶}

۳: نگهبانان شهر

این حرکت که انشعابی از حرکت «آگودات اسرائیل» به سال ۱۹۳۵ است، در برگیرنده طیف وسیعی از مخالفان دولت یهودی در سرتاسر جهان می‌باشد. این گروه با اعتقاد به این که یهودیت ناب و خالص نزد ایشان است، صهیونیسم را برداشت شیطانی از یهودیت می‌دانند و بر این باورند که صهیونیستها عملاً در مقام انجام کاری هستند که بر عهده مسیح (ع) است، لذا عملشان ناشایست و غیر مشروع است.^{۲۷}

ج: نتیجه گیری

جنبش صهیونیستی از ابتدا تا به امروز، با دین یهود مرتبط بوده و این ارتباط در هر دوره ای بر پایه نوعی بهره مندی از دین تعریف می‌شده که همین امر، به صهیونیسم اجازه آن را می‌داده تا از قابلیت‌های یهودیت برای نشوونما و ترویج اهداف سیاسی خود کمک گیرد. با این حال، نباید فراموش کرد که دینداران در قبال پدیده سیاسی «صهیونیسم» از موضع یکسانی برخوردار نبوده، بعضی از ایشان در قالب احزاب رسمی و یا گروه‌های غیر حزبی به تأیید این جریان پرداخته‌اند و آن را عامل و زمینه ساز تحقق وعده الهی مبنی بر ظهور حضرت مسیح (ع) و رهایی یهود، دانسته‌اند. متقابلاً، جریانی ضعیف هم وجود داشته که به علل دینی

مختلف، صهیونیسم را «تلقی شیطانی» از یهودیت خوانده، پیوسته در مقام نفی و ضدیت با آن بوده است. آنچه امروزه از فعالیت سیاسی احزاب و گروههای دینی در جامعه اسرائیل دیده می‌شود، نوعی فعالیت محدود و به عبارت بهتر، «هدایت شده» و «تحت کنترل» است. به این معنا که دولت اسرائیل به شیوه‌های مختلف بر احزاب و گروههای دینی سلطه یافته، صورت مشخصی از حیات سیاسی را برای آنها مجازشمرده است. جهت درک ماهیت پدیده فوق‌الذکر، لازم است به روش اعمال نظر دولت بر فعالیتهای سیاسی احزاب و گروههای دینی فعال در این جامعه، نگاهی بیندازیم:

۱: نظارت نهادی

این نظارت در قالب تاسیس نهادهای رسمی که متولی اداره امور دینی جامعه اسرائیل هستند، نمود پیدا می‌کند که از آن جمله می‌توان به واگذاری امر تصمیم‌گیری درباره‌ای از امور مهم دینی - همچون آموزش، تنظیم روابط داخلی، جذب نیرو، فعالیتهای محدود حزبی و... - به وزارتخانه‌های دولتی از قبیل: آموزش و پرورش، دفاع، کشور، رفاه و تامین اجتماعی و یادگستری، اشاره کرد. در تمامی امور فوق‌الذکر، احزاب و گروههای دینی، موظف به اطاعت و اجرای قانون مصوب وزارتخانه‌های مربوطه هستند. افزون بر اینها، در اسرائیل، وزارتخانه‌ای مستقل تحت عنوان «وزارتخانه امور دینی» وجود دارد که کلیه رفتارهای سیاسی، آموزشی و اجتماعی این گروهها لاجرم باید با توافق و تایید مسئولان این وزارتخانه صورت پذیرد. با توجه به گرایش مذهبی افرادی که مسئولیت این وزارتخانه را از ابتدا تاکنون بر عهده داشته‌اند، معلوم می‌شود که اکثر آنها متعلق به گروههای مذهبی هوادار صهیونیسم بوده‌اند و بدین ترتیب، توانسته‌اند به نحو احسن خواستههای رژیم را در حوزه فعالیتهای سیاسی گروهها و احزاب دینی، محقق سازند. (نگاه کنید به جدول شماره ۱)^{۲۸}

۲- کنترل مقام «مرجعیت» حاخام‌ها

مجلس عمومی حاخام‌ها از جمله نهادهای اصلی در روند فعالیتهای

سیاسی-اجتماعی و حتی مذهبی یهودیان است؛ به همین دلیل، تصدی پست ریاست این مجلس از ارزش سیاسی-مذهبی والایی برخوردار است. سلطه حاخام‌های متعلق به حزب مفاذل که گرایش صهیونیستی دارند و تصویب قوانین مشخص از سوی دولت در زمینه گستره نفوذ و اختیارات این مجلس به نفع دولت (همچون قانون سال ۱۹۵۳)، عملاً این نهاد را در چارچوب خواستهای دولتی قرار داده که امکان خروج از آن برای حاخام‌ها وجود ندارد.^{۲۹}

۳: نمایندگان حاخام‌ها در ارتش

مسائل عقیدتی و ارزشی مربوط به دین یهود توسط افرادی که به نیابت از ریاست حاخام‌ها در درون ارتش حاضرند، پی‌گیری و تبلیغ می‌شود. این افراد اگر چه کانال حزبی برای اعمال خواستهای حاخام‌ها هستند، ولیکن از آنجا که شکل رسمی به خود گرفته‌اند و تبدیل به جزئی از پیکره وزارت دفاع شده‌اند، عملاً از قوانین و اصول حکومتی تبعیت می‌نمایند و بیشتر از آن که در خدمت اهداف دین یهود باشند، به تحقق خواستهای دولت کمک می‌کنند.^{۳۰}

۴: سیستم قضایی

اگر چه به شکل سنتی، علمای دینی یهود امور مربوط به محاکم دینی را عهده‌دار هستند، لیکن با سامان بخشی تازه دستگاه قضایی، این افراد به صورت اعضای یک نهاد رسمی تعریف می‌شوند که تابع اصول، ضوابط و اهداف دولت هستند. طراحی سیستم قضایی در اسرائیل به گونه‌ای است که در نهایت، صدور احکام اصلی به عهده نهادی قرار دارد که در راستای اهداف دولت حرکت می‌کند.^{۳۱}

۵: مجالس دینی محلی

از جمله نهادهایی که گمان زده می‌شود بتواند به طور مستقل از دولت، وارد فعالیت سیاسی شود و اهداف گروههای پیرو اصول دین یهود را محقق سازد، مجالس دینی‌ای است

که به شکل محلی تشکیل می‌شوند. اما در مقام عمل، چنین استقلالی، حتی برای این مجالس نیز وجود ندارد، چرا که ترکیب اعضای این مجالس به گونه‌ای تعیین می‌شود که طبعاً استقلال در آن فضا معنا نمی‌یابد. مطابق ضوابط قانونی، ۴۵ درصد از اعضای هر مجلس محلی باید از سوی وزیر امور دینی، ۴۵ درصد از سوی نیروهای محلی و ۱۰ درصد از سوی عالی‌ترین مقام دینی در منطقه، تعیین شوند. بدین ترتیب، دولت، حداقل ۴۵ درصد از حق رای را پیشاپیش به خود اختصاص داده و این فارغ از نفوذی است که غالباً در تعیین ۵۵ درصد مابقی از سوی دولت اعمال می‌گردد! علاوه بر همه اینها، چارچوب قانونی فعالیت این مجالس از سوی دولت مشخص می‌گردد. ضمناً این مجالس، نوعی وابستگی مالی به دولت دارند که در مجموع به سلطه تمام عیار دولت بر این نهادهای دینی منجر می‌گردد.^{۲۲}

۶: کنیسه‌ها

کنیسه‌ها از جمله نهادهای مهم دینی هستند که به خاطر عبادی بودنشان معمولاً فارغ از نظارت و کنترل دولتی تصور می‌شوند، لیکن در اسرائیل، قضیه کاملاً متفاوت است. مطابق اصول قانونی، کلیه کنیسه‌ها تحت نظارت وزارتخانه امور دینی و آژانس یهود قرار دارند و برنامه‌ها و اصول کلی آنها در این دو مکان تهیه، تصویب و در نهایت، ابلاغ می‌گردد.^{۲۳} نتیجه آن که فعالیت سیاسی گروهها و احزاب دینی در اسرائیل کاملاً تحت نظارت دولت قرار دارد و چنان نیست که این گروهها بتوانند فارغ از اصول و ملاحظات دولتی به مخالفت و یا اعتراض پردازند. تجربه سیاسی گروهها و احزاب دینی در اسرائیل چندان درخشان و امیدوار کننده نیست و از تحلیل آمار و ارقام مربوط به تعداد این گروهها و احزاب، نامزدهای معرفی شده توسط ایشان برای هیئتهای مختلف و سرانجام، تصدی کرسیهای پارلمانی توسط نمایندگان این احزاب، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که:

- ۱- احزاب دینی، حضور سیاسی همسویی با گروه حاکم داشته‌اند.
- ۲- احزاب و گروههای دینی در تشکیل ائتلافهای حکومتی، نقش موثری داشته‌اند و بدین ترتیب، کمک موثری برای دولت اسرائیل بوده‌اند.

۳- اگر چه با استقرار دولت اسرائیل، شاهد بروز منازعاتی بین جناح دینی و سکولار هستیم، لیکن اعمال نظارت‌های مختلف از سوی قدرت رسمی بر فعالیتهای سیاسی گروهها و احزاب دینی، منجر به کانالیزه شدن حرکت‌های دینی در راستای اهداف صهیونیستی شده است. به گونه‌ای که هم اکنون، نوعی همدلی میان این دو جریان به وجود آمده و در مواقع بحران به خوبی مشاهده می‌شود. مثلاً در سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳، شکاف بین تفکر سکولاریستی و دینی کلاً از بین می‌رود و هر دو در راستای تحصیل اهدافی یکسان با یکدیگر متحد می‌شوند. تحریف دین یهود و ارایه تفسیرهای نوین از اصول بنیادین این دین در راستای اغراض سیاسی صهیونیستها، موجب شده تا دین به شکل محملی به خدمت سیاست درآید. خدماتی که دین به رژیم صهیونیستی در این چارچوب ارایه می‌دهد، متنوع و بسیار ارزشمند است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تعیین معیار تفکیک یهودی از غیر یهودی. (به طور مشخص نگاه کنید به قضایای تاریخی‌ای از قبیل قضیه یهودیان هندی، قضیه راهب دانیال، قضیه ریتاآیتانی، قضیه بن شالیت و... که در تمام این موارد برای حل معضل تعیین هویت افراد مورد نظر، اصول و تفاسیر دینی به کمک دولتمردان صهیونیست آمده است.)

- در قانونگذاری و تأیید شرعی این قوانین

- در مقام آموزش و پرورش و القای باورهای خاصی به کودکان در راستای اهداف رژیم
- در حل مشکل ازدواج با بیگانگان، جایگاه زنان، حرمت و حلیت خوردنیها و نوشیدنیها، مشکل تشریح و پیوند اعضا و... که به نوعی نگرشهای دینی به حل مسایل سیاسی-اجتماعی دولت کمک نموده‌اند.

بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که پتانسیل اصلاحی و انقلابی گروهها و احزاب دینی در اسرائیل در طی زمان رو به تحلیل گذارده و امروزه گروههای معدود و کوچکی در آمریکا و یا اروپا وجود دارند که آرمانهای ضد صهیونیستی را با تکیه بر اصول دینی، تبیین و ترویج می‌نمایند. متقابلاً اکثر گروهها و احزاب دینی در درون ساختار سیاسی-اجتماعی حاکم جذب و هضم شده‌اند و امید زیادی به آنها نمی‌توان داشت.

جدول شماره (۱)
اسامی افرادی که مسئولیت وزارت امور دینی را عهده دار بوده اند
(۱۹۴۸-۱۹۹۷)

نام	حزب وابسته	دوره وزارت
الحاخام یهودا میمون	المزراحی	۱۹۵۱-۴۸
الحاخام موشه شبیرا	العامل المزراحی	۱۹۵۸-۵۱
الحاخام موشه تولیدانو	مستقل	۱۹۶۰-۵۸
الحاخام زیرح فار هنتیغ	المفدال	۱۹۷۴-۶۰
الحاخام حاییم صادوق	المعراخ	۱۹۷۵-۷۴
اسحق روفائیل	المعراخ	۱۹۷۷-۷۵
الحاخام اهارون ابو حصیره	المفدال	۱۹۸۱-۷۷
یوسف بورغ	المفدال	۱۹۸۴-۸۱
زفولون هامر	المفدال	۱۹۹۰-۸۴
افنیر شاکی	المفدال	۱۹۹۲-۹۰
اسحق رابین	العمل	۱۹۹۵-۹۲
شمعون شطریت	العمل	۱۹۹۶-۹۵
ایلی سویسه	شاس	۱۹۹۷-۹۶
زفولون هامر	المفدال	۹۷-

منبع: غازی السعدی، صص ۲۸-۲۱۶.

پاورقی ها:

- ۱- درباره گرایش دینی صهیونیسم، نک:
- اسماعیل راجی الفاروقی، الملل المعاصرة في الدين اليهودي، پیشین، صص ۹۹-۱۲۲.
- A.Orr, *Israel: Politics, Myths and Identity Crisis*, op.cit., pp. 15-20.
- Liebman, C. & Don - Yehiya, E., *Civil Religion in Israel: Traditional Judaism & Political Culture in the Jewish State*, Berkeley: University of California Press, 1983.
- ۲- جایگاه الفاظ و اصطلاحات دینی در ایدئولوژی صهیونیسم سیاسی به شکل مبسوطی در اثر زیر آمده است:
- عبدالوهاب المسیری، الايدولوجية الصهيونية، پیشین، صص ۷-۲۱۶.
- G.Butt, *Behind the Star: Inside Israel Today*, London: Constable, 1995, pp. 100 - 110.
3. See: *Civil Religion in Israel*, op.cit., pp.180 - 4.
- ۴- درباره عدم التزام عملی پدیدآورندگان اسرائیل به دین یهود، حکایت‌های تاریخی و مستند متعددی وجود دارد که در منابع زیر می توان از آنها سراغ گرفت:
عبدالوهاب المسیری، الاستعمار الصهيوني و تطبيع الشخصية اليهوديه، پیشین، صص ۶۰-۵۹.
امنون روبنشتاین، مراجعة الحلم الصهيوني من هرتزل الى غوش ايمونيم، ترجمه: محمد نجاه العظم، دمشق: مركز الدراسات العسكرية، ۱۹۹۲.
- I. Jacobs. *The Jewish Religion: A Companion*, Oxford: onford University Press, 1995.
- ۵- صلاح الزرو، پیشین، ص ۱۵۰.
- ۶- همان.
- ۷- نک: نیودور هرتزل، پیشین، صص ۱۰۴ و ۹۸.
8. Weizmann, C., *Trial & Error: The Autobiography*, London: Hamish Hamilton, 1949.
- ۹- نک: عبدالوهاب المسیری، الايدولوجية الصهيونية، پیشین، ص ۲۱۵ و سید فرج راشد، دراسات في الصهيونية و جذورها، الرياض، دار المريخ للنشر، ۱۹۹۲، صص ۷-۹۶.
- ۱۰- به نقل از: عبدالوهاب المسیری، اليهودية والصهيونية و اسرائيل، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر، ۱۹۷۵، ص ۱۵۲.
- ۱۱- به نقل از: همان جا، ص ۱۵۴.
- ۱۲- به نقل از: صلاح الزرو، پیشین، ص ۴۱۷.
- ۱۳- در این باره نک:
- C.Liebmann, & Don - Yehiya, E., op.cit., pp. 85 - 150.
- C.Liebmann. *Religion & Democracy in Israel*, in: Sprinza, K. & Diamond, L., op.cit., pp. 270 - 80.
- Goshen, Gottstein, A., *People of Israel*, in: Cohen, A., and Mendes, Floher, p. (eds), op.cit., pp. 101- 12.
- ۱۴- نک: اسماعیل راجی الفاروقی، پیشین، صص ۶۰-۵۹. همچنین:
صلاح الزرو، پیشین، صص ۹۰-۸۹.
15. See: Jacobs, L., op. cit, pp. 92 - 5, 371. Also:
E. Rackman, *Orthodox Judaism*, in: Cheon, A. and Mendes - Floher, op.cit., p. 680.
- ۱۶- اسماعیل راجی الفاروقی، پیشین، صص ۷۲-۷۰.
- ۱۷- همان.
- ۱۸- صلاح الزرو، پیشین، ص ۹۰.
- ۱۹- جهت مطالعه بیشتر در این باره نک:
اسماعیل راجی الفاروقی، پیشین، صص ۵-۷۲.
- صلاح الزرو، پیشین، صص ۲-۹۰.

R. Sarason, *Modern Tendencies in Judaism*, in: *Judaism*, Encarta, Microsoft Corporation, 1994.

۲۰- جهت مطالعه بیشتر در این باره، نک:

Rachel. Elior, *The Paradoxical Ascent to God: The Kabbalistic Philosophy of Habad, Hasidism*: State University of New York, Press, 1993. pp. 1- 11.

۲۱- جهت آشنایی بیشتر با دیدگاه این افراد، نک:

اسعد زروق، التلمود و الصهيونية، پیشین، صص ۲-۲۰ و ترهترت برج، پیشین، صص ۲۵-۹ و ۸۹-۲۷۰ و ایان لوستک، الاصولية اليهودية في اسرائيل، ترجمه: حسنی زینه، بیروت: موسسه الدراسات الفلسطينية، ۱۹۹۱.

۲۲- جهت مطالعه بیشتر درباره گوش آمونیم، رک:

- دانی روبنشتاین، گوش آمونیم: الوجه الحقيقي للصهيونية، ترجمه: غازی السعد، عمان: دارالجليل للنشر، ۱۹۸۳.

- ایان لوستک، الاصولية اليهودية في اسرائيل، ترجمه: حسن زینه، بیروت: موسسه الدراسات الفلسطينية، ۱۹۹۱.

- Schnall, D., *Radical Dissent in Contemporary Israeli Politics: Cracks in the Wall*, New York: Praeger Publishers, 1979.

۲۳- جهت مطالعه پیرامون کاخ، رک:

عمانویل راینی، محاربا اسرائيل: تحقيق حول الميليشيات الصهيونية، ترجمه: فوزی عبدالهادی، دمشق: دار طلاس للدراسات والترجمة والنشر، ۱۹۹۷ و، تقديم كتاب، مائير كهانا، شوكة في عيونكم، ترجمه: غازی السعدی، عمان: دارالجليل للنشر، ۱۹۸۵ و، محمد شريده، شخصيات اسرائيلية، بیروت: مركز الدراسات الاستراتيجية والبحوث والتوفيق، ۱۹۹۵ و، احمد بهاء الدين، شعبان، حاخامات و جنرالات: الدين والدولة في اسرائيل، القاهرة: نواراة للترجمة والنشر، ۱۹۹۶.

Comer, G., *The Debate About Kahanism in Israeli Society: 1984 - 1988*, New York Occasional Papers of the Harry Frank Guggenheim Foundation, 1998.

۲۴- جهت مطالعه درباره میماد، نک:

رشاد عبدالله الشامي، القوى الدينية في اسرائيل- پیشین، صص ۱۲۱-۱۱۶ وصلاح الزرو، پیشین، صص ۸-۴۰۰.

۲۵- جهت مطالعه درباره گروه «حرکت پاک»، نک:

جیل کیبل، پیشین و صلاح الزرو، پیشین، صص ۵-۲۶۰.

۲۶- جهت مطالعه بیشتر درباره این گروه، نک:

صلاح الزرو، پیشین، صص ۸۸-۳۷۰ و، عبدالله رشاد الشامي، پیشین، صص ۱۲-۲۱۰ و، جعفر هادی حسن، المجموعات اليهودية الحسيدية وعلاقتها با اسرائيل، جريده الحياة، لندن، ۲ و ۳، سبتمبر ۱۹۹۳.

۲۷- درباره این گروه، نک:

عبدالوهاب المسيري، جماعات ضد الصهيونية: نواظير المدينة (الناطوري كارنا)، مجلة منبر الشرق، السنة الثالثة، العدد ۱۵ القاهرة، ربيع الاول ۱۴۱۵.

۲۸- جهت مطالعه بیشتر درباره نظارت نهادی، رک:

صلاح الزرو، پیشین، صص ۲-۲۱۰.

۲۹- جهت مطالعه بیشتر درباره نظارت بر نهاد مرجعیت و حاخام ها، رک:

صلاح الزرو، پیشین، صص ۴-۲۱۲ و اسعد زروق، قضايا الدين و المجتمع في اسرائيل، پیشین، صص ۵-۱۹۰.

۳۰- درباره نظارت دولت بر نمایندگان دینی در ارتش، نک:

- Borthwick, B., *Religion & Politics in Israel and Egypt*, The Middle East Journal, No.2, Vol.23

۳۱- جهت مطالعه درباره سیستم قضایی و کنترل دولت بر دادگاههای دینی، نک:

- انیس شقور، النظام القانوني و النظام القضائي، پیشین، صص ۲۵-۳.

۳۲- جهت مطالعه درباره محدوده و نوع فعالیت مجالس دینی محلی، نک:

- صلاح الزرو، پیشین، صص ۸-۲۱۷. همچنین رک:

Schiff, G., op.cit, pp. 162 - 4.

33. See Schiff, G., op.cit., pp. 224 - 5.